

بررسی پیامدهای امنیتی نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا (سکه)

دکتر علی اسدی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۵/۰۳

آرش روستایی**

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۰۶/۰۵

علی سیف‌پور***

صفحات: ۷۹-۱۱۲

چکیده

نرخ ارز و بازار ارز همواره جزء پیچیده‌ترین مباحث اقتصاد بوده است. از سوی دیگر، این بازار که هر روزه شاهد بیش از تریلیون‌ها دلار نقل و انتقالات است، جزو بزرگترین بازارهای جهان به شمار می‌رود. تئوریها و نظریات فراوانی در مورد تعیین رفتار و مکانیزم بازار ارز ارایه شده است، ولی هیچیک دقیقاً قادر به پیش‌بینی روند نرخ ارز نیستند و عوامل دیگری نظیر عوامل سیاسی، ژئوپلیتیک، اظهارنظرها و سیاستهای بانکهای مرکزی کشورها و همچنین رفتار معامله‌گران در شکل‌گیری این بازار دخیل هستند. از سوی دیگر، نقش دلار در بازار سرمایه (از جمله سکه) کشورمان در مقایسه با سایر بازارهای جهانی بیشتر و عمیق‌تر است. در این پژوهش بر آن هستیم به این پرسش پاسخ دهیم که نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا پیامدهای امنیتی برای کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران دارد یا خیر. و در این راه با در نظر گرفتن چهار فرضیه فرعی، تأثیر نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی به عنوان چهار شاخص عمده امنیت ملی که در مطالعات و مصاحبه‌ها استخراج گردید، بررسی کرده و به دنبال تأیید فرضیه اصلی یعنی تأثیر نوسانات نرخ ارز و قیمت سکه بر امنیت ملی است مورد کنکاش قرار داده و با بیان توصیفی از نظریات مختلف کلان اقتصادی و اجتماعی این موضوع تا حد زیادی در ادبیات موضوعی تبیین می‌گردد و همچنین با پیمایش و با استفاده از بررسی میدانی و ابزار پرسشنامه انجام شده و از طریق روش‌های آماری توصیفی و استنباطی با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نتایج قابل تاملی استخراج گردید، که نارضایتی از حاکمیت، بروز فسادهای کلان اقتصادی، بروز مشکلات و بحرانهای اجتماعی، خطا در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، و... از مهمترین آثار استخراج شده ی این پژوهش است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت اقتصادی، تهدید، ارز، نوسانات اقتصادی

a.asadi35@yahoo.com

* استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

rostaeh@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بحران

aliseifpoor2@gmail.com

*** پژوهشگر مرکز مدیریت بحران جامع امام حسین(ع)

مقدمه

جامعه ساختاری است که روزبه‌روز به پیچیدگی آن افزوده می‌گردد و بخش‌های گوناگون جامعه یعنی اقتصاد، سیاست و غیره را این پیچیدگی درمی‌نوردد. وابستگی و ارتباط تنگاتنگ عناصر مختلف، یکی از خصوصیات بنیادی ساختارهای پیچیده است. از این‌رو، امروزه نمی‌توان فرهنگ را بدون سیاست، یا آموزش را بدون رسانه تشریح کرد. امنیت و اقتصاد نیز از این گردونه پیچیدگی بیرون نیستند.

نرخ ارز و بازار ارز همواره جزء پیچیده‌ترین مباحث اقتصاد بوده است. از سوی دیگر، این بازار که هر روزه شاهد بیش از تریلیون‌ها دلار نقل و انتقالات است، جزو بزرگترین بازارهای جهان به شمار می‌رود. تئوریه‌ها و نظریات فراوانی در مورد تعیین رفتار و مکانیزم بازار ارز ارایه شده است، ولی هیچیک دقیقاً قادر به پیش‌بینی روند نرخ ارز نیستند. اقتصاددانان در نتایج تحقیقاتی خود ابراز داشتند که نوسانات بازار ارز به طور کامل تابع نظریات و تئوریهای اقتصاد کلان نیست و عوامل دیگری نظیر عوامل سیاسی، ژئوپلتیک، اظهارنظرها و سیاستهای بانکهای مرکزی کشورها و همچنین رفتار معامله‌گران در شکل‌گیری این بازار دخیل هستند. سوی دیگر، نقش دلار در بازار سرمایه (از جمله سکه) کشورمان در مقایسه با سایر بازارهای جهانی بیشتر و عمیقتر است. در این پژوهش برآنیم به مشکلی که در سالهای اخیر گریبان کشور و جامعه امان را گرفته و شاید جزء معدود مسائلی باشد که همه اقشار و تمام جوهات جامعه و کشور را درگیر خود کرده یعنی نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا و سکه پردازیم و رابطه بین امنیت و نوسانات قیمت ارز و طلا به عنوان عناصری از اقتصاد، مورد تحلیل قرار گرفته و پیامدهای آن بر «امنیت» بررسی می‌گردد. البته پیامد از دو منظر فرصت و تهدید قابل بررسی است، فرصت بدین جهت که مستقل شدن در تهیه و تولید محصولات حیاتی و راهبردی و

همچنین رونق در بخشهای تولیدی از جمله صنعت و کشاورزی و سایر منابع کسب درآمد است و بهینه محصولات و خدمات و پایه‌گذاری اقتصاد مقاومتی که متأسفانه کشور ما به دلایل گوناگون از این فرصت بخوبی استفاده نکرده است. لذا با توجه به اینکه در موضوع ما نمی‌گنجد و جنبه تهدید آن و بطور خاص این تهدید جنبه امنیتی برای کشور و نظام ما پیدا می‌کند، به آن می‌پردازیم.

موفقیت و دوام هر ساختار سیاسی وابسته به توسعه، کارایی اقتصاد و کیفیت سیاستهای اقتصادی دولت است. اما عملکرد اقتصاد، به نوبه خود، هم در مرحله تدوین و تکوین سیاست‌های اقتصادی و هم در مرحله اجرا، وابسته به ماهیت و کیفیت ساختار سیاسی اقتصادی کشور می‌باشد. عملکرد نادرست اقتصادی دولت، مناسبات انحصاری، رانت‌خواری و فساد اقتصادی یکی از علل اصلی اتلاف و تخصیص نادرست منابع اقتصادی است که موجب کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش رشد و توسعه اقتصاد می‌گردد. سیاستهای نامطلوب اقتصادی موجب تخصیص نامطلوب منابع، توسعه نابهنجار، پیدایش بحرانهای اقتصادی، ناآرامی اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی و نهایتاً فروپاشی نظام سیاسی منجر می‌گردد.

توسعه اقتصادی پایدار مستلزم ثبات سیاسی، امنیت ملی و سیاست خارجی مناسب است. از سوی دیگر، تأمین امنیت ملی مستلزم یک اقتصاد نیرومند و کارآمد می‌باشد. راهبردی امنیت ملی هر کشور می‌بایست متضمن منافع اقتصادی آن و منطبق با توانایی‌های اقتصادی آن باشد. از آنجا که امنیت ملی و اقتصاد متقابلاً به یکدیگر وابسته می‌باشند، ضعف هر یک موجب تضعیف دیگری و در دور بعد موجب تضعیف بیشتر خود می‌گردد. این امر موجب پیدایش یک دور تسلسل باطل می‌شود که نهایتاً کشور را در کام خود فرو خواهد برد.

در جهان بدون مرز امروزی، اگر چه عوامل فراملی نقش انحصاری دولتها را به ویژه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی به مخاطره افکنده‌اند، اما ساختار اقتصادی

کشورها، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه همچنان در برابر عوامل نامطلوب داخلی ضربه پذیر است. بر کسی پوشیده نیست وقتی که نوسانات نرخ ارز و قیمت سکه، امنیت اقتصادی را دچار چالش می‌نماید و چرخه عرضه و تقاضای کالاها و خدمات را از دست تولیدکنندگان خارج نموده، بازیگران اصلی بازار را واسطه‌گران تشکیل خواهند داد. همچنین نیازی به توضیح نیست که وقتی تولید سکوی شروع گردش امور اقتصادی نباشد، سیستم اقتصادی با چه مشکلات و آسیب‌هایی دست به گریبان خواهد بود. اولین بار کینز^۱ در کتاب "نظریه عمومی اشتغال بهره و پول" ۱۹۳۶ نوشت اگر وضعی پیش آید که پول رایج یک کشور (پول ملی) خاصیت نقدینگی خود را از دست دهد، جانشین‌های فراوانی پای خود را در کفش پول می‌کنند مثل بدهیهای کوتاه‌مدت، پول خارجی، جواهرات، انواع فلزات گرانبها و جریان‌های اعتباری.

صرفاً کمبود ارز و طلا به دلیل تحریم‌های بین‌المللی علت نوسانات شدید افزایش حدود سیصد درصدی نرخ ارز و قیمت طلا نبود و همان طور که در ادامه بررسی می‌کنیم تصمیمات غلط، خلق‌الساعه و تورم انباشته در این زمینه و از همه مهمتر نقدینگی سرسام‌آور در دست مردم باعث شد که جهت حفظ ارزش دارای خود دارایی نقدی را به دارایی تبدیل کرده که ارزش خود را حفظ کند، طبق برآورد کارشناسان حدود ۲۰ میلیارد دلار در شرایط کمبود ارز در کشور در خانه‌های مردم به عنوان سرمایه ذخیره شده است (مصباحی مقدم: ۹۳). و گذشته از مقدار طلایی که توسط مردم انبار شد، فقط در سال ۹۰ طبق آمار بانک مرکزی نزدیک ۶.۹ میلیون قطعه سکه طلا در یک مدت کوتاه پیش فروش شد (بانک مرکزی: مهر ۹۱).

تقریباً از میانه سال ۹۰ و حداقل تا انتخابات ریاست جمهوری در تیر ماه سال ۹۲ بشکلی بحرانی و به عنوان یک معطل بزرگ ملی، تیترا نخست روزنامه‌های

1- Keynes

کشور گرانی ارز و سکه بود. ظرف مدت چند ماه ارزش پس‌اندازهای یک عمره یک کارگر یا کارمند یک سوم و حتی کمتر از ارزش چند ماه قبلش شد. بازاریان به علت ترس از کمبود و یا گرانی، از فروختن اجناس خود داری می‌کردند و یا با حاشیه سود خیلی بالایی حاضر به فروختنش می‌شدند.

به نظر می‌رسد بخش‌های مهمی از این موضوع مورد غفلت واقع شده، اثر منفی این‌گونه مسایل بر رفاه جامعه، به بازتوزیع برنامه‌ریزی نشده درآمد و ثروت به نفع ثروتمندان و به زیان افراد کم‌درآمد دامن می‌زند و تلاشها در جهت بهبود عدالت اقتصادی را بی‌ثمر می‌سازد. افزایش نامطمئن در اقتصاد، کاهش میل به سرمایه‌گذاری و به تبع آن افت تولید از جمله این پیامدها است. تلاطم و افت نرخ واقعی ارز و از دست رفتن قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای صادراتی و همچنین دشوارتر شدن تأمین منابع مالی از بازارهای رسمی و غیررسمی، سوق دادن فعالیتها به سمت فعالیتهای کوتاه مدت و بعضاً سفته‌بازانه همه و همه از آثار نامطمئن ناشی از تلاطم تورم به دلیل افزایش آن در اقتصاد و همچنین پیامد بالا رفتن قیمت‌ها به ویژه قیمت ارز، سکه و افزایش قیمت سایر کالاهاست. نادیده گرفته شدن هزینه‌های بالای اجتماعی و امنیتی تورم ناشی از شوک اقتصادی مسئله تورم یک مشکل در کنار سایر مشکلات نیست؛ تورم‌های جهشی مادر همه مشکلات است.

در چنین شرایطی به عنوان اولین واکنش افراد را به سمت افزودن شیفت‌های کاری سوق می‌دهد. این در حالی است که اگر ما به طور منطقی برای فولاد قائل به استهلاک هستیم، طبیعی است که باید بپذیریم انسانی که به صورت غیرعادی از خودکار می‌کشد نیز نمی‌تواند عضو هنجار خانواده، محیط کار یا جامعه باشد. در این صورت جامعه‌ای که به شدت آستانه تحریکش تغییر کرده با کوچکترین اشاره‌ای آماده وارد شدن به یک نزاع پرهزینه از نظر فردی و اجتماعی می‌شود.

عموم کتاب‌هایی که در این زمینه وجود دارد میان روندهای تورم و افزایش چشمگیر ناهنجاری‌های اجتماعی همچون جرم، جنایت، شورش و... اتفاق نظر دارند. ما باید سال‌های اول دهه هفتاد را فراموش نکنیم یعنی زمانی که بی‌احتیاطی‌های صورت گرفته، منشأ این شد که برای اولین بار با پدیده شورش‌های شهری (مشهد، قزوین و اسلامشهر) روبه‌رو شدیم. در این شرایط نهاد دولت و مشروعیت آن به چالش کشیده می‌شود. هزینه‌های بلندمدت این بی‌احتیاطی‌ها، بسیار سنگین‌تر از هزینه‌های کوتاه مدت آن‌هاست. شوک اقتصادی شلیک گلوله ناکارآمدی‌های فزاینده به پیکره دولت است.

در این پژوهش برآنیم که به پیامدهای امنیتی ناشی از نوسانات قیمت طلا و مخصوصاً نرخ ارز به عنوان یک مسأله که جامعه و کشور ما را باچالش روبه‌رو کرده پردازیم و بررسی کنیم که آیا این مسأله می‌تواند به یک چالش امنیتی برای نظام تبدیل شود یا خیر؟

۱. مفهوم‌شناسی امنیت و ابعاد آن

مشکلی که در ارایه یک تعریف جامع از امنیت مانند اکثر مفاهیم دیگری که در حوزه علوم بشری کاربرد دارد همانا عدم وجود اجماع روی یک تعریف از این مفهوم می‌باشد. ایان بلانی^۱ تعریف ذیل را از امنیت ارایه کرده است: "امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ". لارونی مارتین^۲ در خصوص تعریف امنیت می‌گوید که: "امنیت عبارت از تضمین رفاه آتی می‌باشد". جان ئی. مورز^۳ می‌گوید: که امنیت عبارت از "رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش می‌باشد." (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۰-۳۳). به همین قسم "دومینیک داوید" نیز تعریفی از امنیت ارایه کرده است که به عقیده وی امنیت عبارت از: "ایجاد فضایی که در آن فرد یا جمعی خودشان را در

1- Ian Bellany

2- Iurenee Martin

3- John E. Morrz

وضعیت آسیب‌پذیر احساس نمی‌کنند و تهدید متوجه آنها نیست (دومینیک، ۱۳۸۵: ۱). و امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

الف- تحول امنیت

به طور خلاصه تغییرات که در مفهوم امنیت از نگاه تاریخی رونما گردیده به قرار ذیل می‌باشند:

۱- قبل از ۱۹۴۵: در این دوران امنیت جنبه نظامی دارد و توصیه سیاستمداران و نظامیان در آن دوره این است که دولت‌ها با داشتن توان نظامی برتر، امنیت بیشتری به دست آورند.

۲- از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰: مفهوم امنیت گسترده‌تر شد و دیگر محدود به مسائل نظامی نماند. معنی قدرت از شکل نظامی آن به اشکال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تعمیم یافت.

۳- از ۱۹۹۰ به بعد: در این دوران جهان به مثابه یک دهکده است و مفهوم امنیت در دوره نخست بعد نظامی - سرزمینی یک جانبه دارد و نه مانند دوره دوم ابعاد مختلف نظامی اقتصادی سیاسی و اجتماعی یک جانبه، بلکه به دلیل یکدست شدن جامعه جهانی همه مسائل به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شود که یکی از این مسائل امنیت است. به عبارت دیگر در چنین جهانی، امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه است و برعکس (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۶۷-۱۷۵).

در شرایط فعلی، نظم اجتماعی و امنیت عمومی با تهدیدات نوینی مواجه است و اسباب و ابزار مورد نیاز برای حفظ و تقویت آنها نیز باید متناسب با تحولات موجود باشد. قوه قهریه و قدرت پلیس که در گذشته تنها مظهر اقتدار دولت و توانایی کشور محسوب می‌شد، اولویت خود را از دست داده و توجه به جنبه‌های نرم‌افزاری بحث امنیت مانند مشروعیت، مسئولیت‌پذیری، فرهنگ، رفاه و... سیر

صعودی خود را طی می‌کند. ایجاد، حفظ و تداوم امنیت موجب اعتماد عمومی مردم به اقتدار ملی و قدرت دولت خواهد شد. اگر مردم این اعتماد را نداشته باشند، هیچ فعالیت مهمی را انجام نخواهند داد و هیچ رشد و توسعه‌ای نخواهیم داشت. همه فعالیت‌ها زمانی انجام خواهد شد که ما بتوانیم امنیت مورد انتظار مردم را برقرار کنیم و آن را تداوم ببخشیم. البته برای فعالیت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی غیر از وجود امنیت باید احساس امنیت هم وجود داشته باشد. این نکته بسیار مهم است که گاهی ممکن است امنیت واقعی وجود داشته باشد ولی در اثر جنگ روانی، شایعات و غیره احساس ناامنی در جامعه به وجود آید و یا جامعه دچار نوعی تصور ناامنی شود. در برخی از جوامع در سایه احساس ناامنی گاهی کارآمدی نظام و قدرت دولت زیر سؤال قرار می‌گیرد و تشدید این وضعیت حتی ممکن است به بحران براندازی منجر گردد (روحانی، ۱۳۸۰: ۱۰).

ب- امنیت نرم

وقتی به صورت تدریجی و نامحسوس ادراک مردم در مقابل دغدغه‌ها صیانت می‌شود یا هنگامی که اعضای جامعه بسان شبکه اخلاقی از بروز اختلال ممانعت می‌کنند و مانند دزدگیر ماشین، اقدام دزدانه را افشاء و عمل دزدی را پرهزینه می‌سازند، در جامعه نوعی امنیت نرم برقرار است. در واقع، برخلاف امنیت سخت که کنترلی، دستورالعملی، جنجالی و از بالا به پایین است، امنیت نرم متضمن ترغیب (به جای کنترل)، غیر رسمی (به جای دستورالعملی) و خاموش اجرا شدن (به جای جنجالی) است و از لایه‌های پایین جامعه صادر می‌شود (راسموسون و جانسون، ۱۹۹۶: ۱۰۸). امنیت نرم از دو حیث به پرورش امنیت سخت کمک می‌کند: یکی در شکل‌گیری امنیت سخت و دیگری در تداوم آن (غریباق زندی، ۱۳۸۸: ۸۹).

۲. مفهوم‌شناسی تهدید

مفهوم تهدید به واسطه انتزاعی بودنش همواره با میزانی از ابهام همراه است. از طرفی رویکردهای متفاوت امنیت ملی نیز هر کدام بر حسب مبانی و اصول خود برداشت و تعریف خاصی از تهدید و ماهیت آن دارند (کرمی، ۱۳۸۶: ۴۵).

الف- دگردیسی آسیب- تهدید

آسیب‌هایی که به تهدید تبدیل می‌شوند و اقدامات کنترلی برای بازگشت آنها صورت نمی‌گیرد، خود از جمله عوامل فرسایش مشروعیت نظام‌ها می‌شوند. نوع تهدید در کشورهای پیشرفته، در حال توسعه و جهان سوم متفاوت است. در کشورهای پیشرفته، تهدید در فضای امنیت و یا حداکثر در فضای سیاسی شکل می‌گیرد؛ در حالی که در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، تهدیدات در فضای اجتماعی بوجود می‌آید (آزر و مون، ۱۳۷۹: ۳۴۵). شکل تهدیدات در این کشورها تک بعدی نیست. مدیریت تهدیدات نیز باید به صورت چند بعدی انجام گیرد. مدیر کنترل تهدید باید بر ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و امنیتی مسلط باشد یا از تیمی با ویژگی‌های فوق استفاده نماید. مهم‌ترین فرایندی که در برابر چنین تهدیداتی می‌توان اتخاذ کرد، دوری‌گزینی از تهدید است. زیرا این گونه تهدیدات منجر به کاهش فرصت‌ها شده، راهبرد مقابله با تهدید را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. در فضای اجتماعی تا فضای امنیتی، هر چه آستانه تحمل در رخداد از پدیده به سمت بحران بالا می‌رود، میزان قدرت تخریبی تهدید افزایش می‌یابد (افتخاری و بهنام نیا، ۱۳۸۶: ۲۰). باید برای گریز از مسیر تهدید، آن را تعدیل، جذب یا منحرف نمود (همان: ۱۳۷).

ب- تهدید نرم^۱

تهدید با ویژگی‌ها، ابعاد و حدودی که دارد، در گذر زمان از حیث جنس در

1- Soft Threat

حوزه‌های مختلف دچار تحولات قابل توجهی شده است. قبلاً تهدید علیه منافع یک بازیگر به لحاظ جنس و ماهیت بیشتر از نوع و جنس تهدید سخت بود. تحولات سیاسی و اجتماعی، هر از گاهی مفهوم جدیدی را در ادبیات سیاسی و استراتژیک کشور رواج داده و آن را به کانون مباحث و نظرپردازی‌های محافل روشن فکری و نخبگان تحلیل‌گر تبدیل می‌کند. مفاهیمی همچون تهدید نرم، براندازی نرم و امنیت نرم؛ از این‌گونه به شمار می‌آیند. تهدید نرم را عبارت از "تلاش عمدی و برنامه‌ریزی شده یک دولت به منظور ایجاد و یا بهره‌گیری از نارضایتی‌های داخلی و چالش‌های اجتماعی کشور حریف جهت دستیابی به اهداف و منافع مورد رقابت" تعریف کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۱).

احتمالاً مهم‌ترین عاملی که می‌تواند در تشخیص پدیده‌هایی همچون تهدید نرم، مبنای مهمی برای تعریف باشد، هدف نهایی پدیده است. این هدف را می‌توان در عبارت "تغییر سیاسی" خلاصه کرد. به بیان دیگر، هدف نهایی بازیگران را می‌توان در نقطه‌ای مابین دو سر یک طیف جای داد که یک سر آن را تغییر رفتار و سر دیگر را فروپاشی نظام سیاسی تشکیل می‌دهد (همان: ۹). به زعم ما تأکید بر این ویژگی اهمیت زیادی دارد چون دریچه جدیدی را برای شناخت پدیده تهدید نرم را متمایز ساختن آن از تغییرات سیاسی به معنای تحولات صرفاً داخلی می‌گشاید و این همان جنبه خارجی تهدید نرم است (همان: ۱۱).

ج- تهدید نرم اقتصادی

همانطور که قبلاً گفته شد، لازمه اینکه تهدیدی در زمره تهدیدات نرم قرار گیرد این است که حداقل یکی از عناصر آن (ابزار یا هدف) از جنس نرم باشد و ارزشی از ارزشهای امنیت ملی را نیز تهدید کند (کرمی، ۱۳۸۶: ۴۶). در تهدیدهای نرم اقتصادی، تفکیک و تمایز میان اهداف و ابزار، این نتیجه را به دست می‌دهد که چنانچه تنها اهداف یا ابزار تهدیدهای نرم از جنس اقتصادی باشند، برای

شکل‌گیری یک تهدید نرم اقتصادی کفایت خواهد کرد. به عبارت دیگر؛ تهدیدهای نرم اقتصادی به تهدیدهایی گفته می‌شود که هدف یا ابزار آن اقتصادی باشد (سیف و تولایی، ۱۳۹۰: ۷۱).

۱- تهدید نرم با اهداف اقتصادی

بعد اقتصادی مهم‌ترین غایت تهدید یا جنگ نرم است، چرا که در بعد فرهنگی اگر دشمن به دنبال استحاله فرهنگی و تغییر باورهای بنیادین و ارزشهای مسلط جامعه است. در بعد سیاسی اگر به دنبال ایجاد بحرانهای پنجگانه هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت است هم برای این است که بتواند بر اقتصاد کشورهای موردنظر تسلط یابد. چرا که غایت و هدف اقتصاد متکی بر بازار آزاد این است تا بتواند تسلط اقتصادی بیشتری را برای خود کسب و در نهایت به رفاه و لذت بیشتر مادی برسد. بنابراین بعد اقتصادی که با تغییر ذائقه‌ها و هدایت طرز تلقی‌ها و جهان بینی‌ها و نگرش‌ها و در نهایت تولید مدل رفتاری مشترک جهانی، آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که برای تسلط هر چه بیشتر اندیشه لیبرال دموکراسی که آن هم برای دریافت منافع اقتصادی و چپاول ثروت کشورهای ضعیف است برنامه‌ریزی می‌گردد (خلیلی، ۱۳۸۸: ۲۷). در این راستا دشمن به مجموعه اقداماتی دست می‌زند تا با کاهش توان اقتصادی کشور، به کاهش قدرت مقاومت و ایستادگی و در نتیجه موجب نارضایتی و نافرمانی مدنی شود. کسب تسلط اقتصادی و کنترل جریان‌های اقتصادی و کاهش توان بازسازی و توسعه ملی از اهداف این نوع تهدید نرم است. مقوله‌ای که هم صورت ظاهری تخریب و از بین بردن نیروی انسانی و زیربنای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک کشور را ندارد و هم می‌تواند دشمن را به هدف اصلی خود برساند (فردرو، ۱۳۸۸: ۶). به دلیل شرایط و ماهیت ویژه نظام سیاسی ایران، اقتصاد کشور همواره از طرف قدرتمندترین اقتصادهای جهان در معرض تهدید بوده و هست.

۲- تهدید نرم با ابزار اقتصادی

جهانی شدن اقتصاد و گسترش وابستگی متقابل اقتصادی و در نتیجه افزایش نقش اقتصاد در روابط بین‌الملل، باعث شده کشورها به نحو گسترده‌ای از ابزار اقتصادی برای نیل به اهداف ملی خود استفاده کنند (رهبر و خادمی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). ضمن اینکه گاه برخی اقدامات عملی و یا به کارگیری قدرت سخت و نیمه سخت، می‌تواند صرفاً با هدف تأثیرگذاری روانی بر مخاطبان چندگانه یاد شده صورت پذیرد؛ نمونه‌هایی از این کاربرد را می‌توان به شرح ذیل فهرست کرد:

- استفاده از تحریم (مانند تحریم صدور بنزین به ایران)، عملاً می‌تواند با ناتوان نشان دادن حکومتی که بر اقیانوسی از نفت نشسته است و قدرت تأمین سوخت جامعه خود را ندارد، مورد استفاده قرار گرفته و به تضعیف تصور شهروندان از قدرت کارآمدی حکومت کمک کند (حسینی، ۱۳۸۹). و یا تحریم بانک مرکزی و سیستم بانکی کشور و بوجود آوردن شرایطی که کشور میلیاردها دلار ارز در بانک‌های خارجی دارد اما امکان دسترسی و استفاده از آن را ندارد و با کمبود منابع مخصوصاً منابع ارزی روبه‌رو شود و یکی از دلایل جهش قیمت‌ها و کاهش ارزش پول ملی در برابر سایر ارزها شد.

- اعمال فشارهای اقتصادی، یکی از شگردهای اقتصادی جنگ نرم برای به زانو در آوردن جمهوری اسلامی ایران فشارها و تهدیدهای اقتصادی است. آمریکا سالهای سال است که از این حربه برای فشار بر ایران استفاده می‌کند و تلاش گسترده‌ای نیز برای همراهی کشورهای دیگر با این سیاست خود به کار گرفته است. حتی شرکت‌هایی را که سرمایه‌گذارهای کلان در ایران انجام می‌دهند، مورد تهدید و تحریم قرار می‌دهد.

پاتریک کلاوسون^۱، در کمیته روابط خارجی سنا در سال ۲۰۰۶ میلادی، پیشنهاد

1- Patrick clawson

داد که اگر بخواهیم اقدامی علیه ایران داشته باشیم، لازم است این اقدام ترکیبی از اقدامات اقتصادی و سایر اقدامات سیاسی و نظامی باشد. وی معتقد بود، حساسیت بازار بورس ایران و همچنین ناتوانی شرکتهای بزرگ ایرانی در بازپرداخت بدهیهای خود به نظام بانکی کشور، پاشنه‌ی آشیل ایران به شمار می‌رود و از این طریق می‌توان برنامه‌های اقتصادی دولت را ناکارآمد کرد. وی معتقد است، باید خارج از چارچوب سازمان ملل و با مشارکت و همراهی دوستان و شرکای آمریکا، تحریمهای شدیدی علیه ایران اعمال نمود. این تحریمها هم باید شامل شرکتهای و صنایع ایرانی باشد و هم شامل شرکتهای و کشورهای که در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

توماس فریدمن^۱، از تحلیل‌گران سیاسی آمریکا در تحلیل حوادث بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران، در مقاله‌ای که در نیویورک تایمز منتشر کرد، به رهبران آمریکا توصیه می‌کند بهترین راه فشار بر ایران برای تغییر مواضع دینی و سیاسی و بین‌المللی خود، اعمال فشارهای اقتصادی است. وی می‌گوید: «محمود احمدی‌نژاد در دوره‌ای ریاست جمهوری ایران را در دست داشت که نفت به یکی از بالاترین قیمت‌های خود رسیده بود. بنابراین با وجود این قیمت نفت، او می‌توانست درباره افسانه بودن هولوکاست سخنرانی کند، اما باور داشته باشید که اگر قیمت نفت به بشکه‌ای ۲۵ دلار برسد، او دیگر حرفی از افسانه بودن هولوکاست نخواهد زد. واقعیت این است تا زمانی که قیمت نفت بالاست، قدرت کافی برای مقاومت کردن در برابر فشارهایی که به برنامه هسته‌ای این کشور وارد می‌شود را دارد. تا زمانی که نفت حدود بشکه‌ای ۷۰ دلار باشد تحریمهای اقتصادی ما، تنها موجب آزار و اذیت است، اما با نفت ۲۵ دلاری این تحریمها به طور جدی ضربه وارد خواهد کرد.» (همان: ۱۵۹).

1- Thomas friedman

۳- بحران

بحران یعنی تهدیدی جدی نسبت به ساختهای زیربنایی و یا هنجارها و ارزشهای اساسی یک سیستم، که مورد ادراک ذینفعان بوده و تحت فشار زمانی و محدودیت گزینه‌ها؛ در شرایط عدم قطعیت شدید و احساس کاهش کنترل، اتخاذ تصمیمات دقیق، حیاتی و پرهزینه‌ای را الزامی می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۷). مدیریت بحران به عنوان فرایندی نظام یافته تعریف می‌شود که طی این فرایند سازمان تلاش می‌کند بحران‌های بالقوه را شناسایی و پیش‌بینی کند سپس در مقابل آنها اقدامات پیشگیرانه انجام دهد تا اثر آن را به حداقل برساند (رضوانی، ۱۳۸۵: ۲۷). بهترین راهبرد در مدیریت بحران، مدیریت پیشگیرانه است که مسایل بالقوه یا درحال پیدایش را به موقع شناسایی نموده و از مواجه شدن با عواقب و پیامدهای بحران در آینده جلوگیری می‌نماید (نکویی، سهرابی، ۱۳۸۶: ۶۱).

عدم تشابهات بنیادین بحرانها، مدیریت بحران را بسیار مشکل و منحصر به فرد مطرح می‌کند که بایستی به صورت مجزا مورد مطالعه قرار گرفته و راههای مبارزه با آن بررسی شود (رضوانی، ۱۳۸۵: ۲۷).

مدیریت بحران در حوزه مطالعات امنیتی به معنای کاربست تمهیداتی برای جلوگیری از تبدیل تهدیدهای بالقوه به بالفعل است. معمولاً قبل از وقوع بحران‌ها، پیش‌زمینه‌ای به نام تهدید یا خطر بالقوه وجود دارد؛ بحران هنگامی شکل می‌گیرد که خطر بالقوه به بالفعل تبدیل شود و فقدان تهدیدشناسی مطلوب و عدم آسیب‌شناسی تهدیدها بر سطوح کلان جامعه می‌تواند وزنه آسیب‌رسانی بحران‌ها را سنگین‌تر نماید، بویژه اینکه در اکثر مواقع میان بحران‌ها یک رابطه زنجیره‌ای وجود دارد، به طوری که گسترش و تداوم بحران‌های امنیتی می‌تواند بستر شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و بالعکس را فراهم کند (دل‌اورپوراقدم، ۱۳۸۸: ۸).

۴. نظریات و رویکردها

الف- اهمیت و جایگاه مؤلفه‌های اقتصادی در نظریات

اهمیت تهدیدات اقتصادی تابعی از اهمیت نقش اقتصاد در روابط بین‌الملل و اداره داخلی جوامع است. مکاتب مختلف اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل ضمن اشتراک در تأکید بر اهمیت موضوعات اقتصادی، در ارتباط با جایگاه آن در برابر سایر موضوعات، نظرات متفاوتی دارند.

دو عامل اصلی ارتقای اهمیت اقتصاد در سیاست بین‌المللی اکنون با هم ترکیب شده‌اند. ماهیت به سرعت در حال تغییر اقتصاد جهانی و ساده‌تر شدن سطح تنش‌های راهبردی بین‌المللی و مهم‌تر از آن همزمانی وقوع این دو پدیده، اقتصاد را در جایگاه محوری در روابط بین‌الملل نشانده است. درجه وابستگی متقابل اقتصادی موجب شده که بازارها، دولت‌ها و سایر بازیگران، از نظر اقتصادی به همه تحولات جهانی حساس شوند. بنابراین، اقتصاد در مقام موضوع سیاست عادی جایگاهی بالاتر یافته است. بنابراین درحالی که اقتصاد جایگاهی بالاتر می‌یابد، جایگاه امنیت در مقام سیاستی عالی تنزل یافته و به تعبیر موران^۱، پس از جنگ سرد سیاست عادی در حال تبدیل شدن به سیاست عالی است (موران، ۱۹۹۰: ۶۵). پس می‌توان ادعا کرد که امروزه جایگاه کشورها بر روی صفحه شطرنج جهانی، نخست به امنیت اقتصادی آن بستگی دارد (تری تریف، ۱۳۸۱: ۲۹۸).

امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد امنیت ملیو تهدیدات اقتصادی در مقام نوعی از تهدیدات امنیت ملی بیشتر محصول نظریات اندیشمندان مکتب کپنهاگ است. طرفداران این مکتب با فراتر رفتن از تهدیدات نظامی و با نگاه موسع به تهدیدات، آن‌ها را در پنج بعد نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۹)، و به طور تقریباً متناظر، امنیت ملی را در قالب چهره‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی تصویر می‌کنند (ماندل، ۱۳۷۷: ۸۳).

1- Moran

باری بوزان^۱، از معروف‌ترین اندیشمندان این مکتب، تهدیدات اقتصادی را سخت‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدیدات می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۹). بوزان عوامل داخلی و ضعف سیاستگذاری اقتصادی را نیز در زمره تهدیدات می‌داند: «تهدیدات اقتصادی فقط از تدابیر خارجیان ناشی نمی‌شود، بلکه عدم کارایی مسئولان در مدیریت امور نیز در آن مؤثر است.» (همان: ۱۵۰).

ماندل^۲ نیز ابعاد امنیت اقتصادی را دو بعد داخلی (شامل رشد اقتصادی و توزیع عادلانه) و خارجی (رهایی از فشارها و تحریم‌ها خارجی) می‌داند. وی مسئله قدیمی هویج (اقدامات مثبت نظیر اعطای کمک، سرمایه‌گذاری و تخفیف تعرفه) و چماق (اقدامات منفی نظیر تحریم، محاصره، قرار دادن در لیست سیاه و اعمال سهمیه) را از مهم‌ترین اشکال تهدید اقتصادی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

جان بیلی^۳ نیز با تقسیم‌بندی تهدیدات امنیت ملی به تهدیدات سنتی (با تأکید بر بخش نظامی) و تهدیدات مدرن، تهدیدات اقتصادی را جزو تهدیدات مدرن می‌داند. موضوعات اقتصادی می‌توانند باعث تهدیدات اجتماعی و تهدیدات هویتی شوند. نظریه‌های مارکسیستی انقلاب، نظریه منازعه طبقاتی ارسطو، نظریه طمع افلاطون، نظریه محرومیت نسبی تد رابرت‌گر، نظریه رفاه فزاینده الکسی دو توکویل، نظریه نوسازی شتابان، نظریه انتظارات فزاینده دیویس و نظریه انحطاط ابن خلدون خشونت‌ها و شورش‌های اجتماعی را تبیین، و به عواملی نظیر نابرابری، رشد اقتصادی ضعیف، رکود پس از دوران رونق، تجمل‌پرستی و فساد اقتصادی زمامداران، رشد شتابان، عدم تناسب بین امکانات و توقعات، بی‌ثباتی اقتصادی و گسترش فقر (به عنوان عوامل اقتصادی بروز شورش‌های اجتماعی) اشاره کرده‌اند.

عوامل تسهیل‌کننده تبدیل نارضایتی فردی به نارضایتی گروهی طیفی از

1- Barry Buzan

2 -Mandel

3 -John Bailey

موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که معمولاً بر افکار و اذهان آنان تأثیر گذاشته و مجموعه‌ای از ابزارهای اقناع‌ساز را دربر دارد، ولی یکی از مهم‌ترین آن‌ها شرایطی است که آثار منفی عامل اقتصادی شامل حال گروه‌های ضعیف و درآمد پایین گردد و آن‌ها به نحو بارزی خود را در مقایسه با سایر گروه‌های هویتی و اجتماعی متضرر و مبعون ببینند (رهبر و خادمی، ۱۳۸۵).

به نظر پای^۱ ریشه بحران توزیع، محدودیت منابع و عدم تخصیص عادلانه است که منجر به ایجاد نابرابری در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و افزایش بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی می‌شود (پای، ۱۳۸۰: ۳۸). به نظر کاسا^۲ نابرابری آموزشی، تورم، وجود اقتصاد سایه، فساد اقتصادی، فراوانی منابع طبیعی، بیکاری و حجم بالای سرمایه‌گذاری خارجی از جمله عواملی هستند که اثر مثبت آن‌ها بر افزایش نابرابری در تعداد زیادی از مطالعات تجربی اثبات شده است. همچنین موضوع رابطه تورم و شورش‌های اجتماعی به طور خاص نیز مورد بررسی قرار گرفته و مشاهدات جهانی از یک نمونه بزرگ ۵۱ کشوری در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۵ نشان می‌دهد که بین میزان تورم و توزیع درآمد همبستگی قوی وجود دارد. به این معنا که با افزایش تورم نابرابری افزایش می‌یابد و افزایش نابرابری به افزایش احساس محرومیت نسبی و بروز خشونت‌ها کمک می‌کند (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۶).

از مواردی که به عنوان منشأ اقتصادی بروز شورش‌ها مورد توجه قرار گرفته، موضوع تغییرات اجتماعی یا به تعبیر ساندرز انفکاک ساختاری جامعه (رهبر و خادمی، ۱۳۸۵) ناشی از رشد و توسعه اقتصادی و پیامدهای منفی این تغییرات می‌باشد. اولسون و لویس با طرح نظریه نوسازی شتابان ناشی از اتخاذ راهبردهای نامناسب توسعه، به نتایج منفی رشد سریع اقتصادی، از قبیل فقر اکثریت مردم، تفاوت درآمد، تمایز طبقاتی و شکاف در هنجارها اشاره می‌کنند (رهبری، ۱۳۸۳: ۴۴). در اینجا به دو نظریه مرتبط با موضوع بحث می‌پردازیم:

1- Pye
 2- Kaasa

- نظریه وفور منابع

از دیگر عوامل اقتصادی مورد نظر محققان در بررسی دلایل وقوع شورش‌های اجتماعی، برخورداری یک کشور از منابع طبیعی فراوان است. براساس مطالعات انجام‌شده، کشورهایی که ثروت آن‌ها بیشتر به صادرات مواد اولیه شامل محصولات کشاورزی و منابع طبیعی وابسته است، بیشتر مستعد خشونت‌های داخلی هستند. همفریز با توجه به همبستگی بین وفور منابع طبیعی و بروز شورش می‌گوید در اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی موارد زیر می‌توانند باعث ایجاد نارضایتی شوند:

- گسترش نابرابری در دوران گذار و اجرای استراتژی‌های توسعه؛

- توزیع ناعادلانه‌تر ثروت ناشی از منابع طبیعی، از سوی دولت‌ها و شیوع فساد اقتصادی؛

- عدم پاسخگویی و شفافیت دولت‌ها به دلیل اتکای آن‌ها بر درآمدهای ناشی از منابع طبیعی به جای مالیات (نظریه دولت رانتیر)؛

- بروز بیماری هلندی و تضعیف بخش‌های تولیدی اقتصاد هنگام افزایش درآمدهای ناشی از منابع طبیعی و ایجاد تورم و بیکاری

- آسیب‌پذیری بیشتر در مقابل شوک‌های ناشی از دوره‌های تجاری و ایجاد نارضایتی بین گروه‌های زیان‌دیده.

کالیر و هافلر معتقدند برخورداری از منابع طبیعی اغلب با عوامل دیگر نظیر خدمات ضعیف بخش عمومی، سوء مدیریت اقتصادی و فساد همراه شده و از این طریق به افزایش تضاد کمک می‌کند و بوقوع شورش‌ها در این حالت پاسخی به حاکمیت ضعیف هستند (رهبر و خادمی، ۱۳۸۵).

تبیین تبعات وفور منابع دارای تاریخچه‌ای قابل توجه است، برای نمونه، آخرین شکل تحولات از این دست در دهه ۱۹۷۰ میلادی اتفاق افتاد (راس، ۱۹۹۹) زمانی که قیمت بازار جهانی نفت با فراز و فرود قابل توجهی روبه‌رو شد. رخداد مذکور در کنار تحولات قابل توجهی که در حوزه واقعیت‌های اجتماعی از خود به‌جا

گذاشت در زمینه نظریه‌پردازی نیز منجر به رونق نظریه‌هایی از قبیل بیماری هلندی، نفرین منابع، دولت رانتیرو محرومیت نسبی شد.

در بخشی از این نظریات، به تبعات منفی منابع غنی درآمدی برنظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام اجتماعی توجه شده است. اثر مخرب وابستگی دولت‌ها به درآمد منابع طبیعی سالها است که مورد توجه قرار گرفته است. مهمترین نمونه تاریخی این رویداد مربوط به قرن ۱۶ و سر ریز شدن حجم عظیم از طلای غارت شده از امریکا به صندوق حکومت اسپانیا بود. آثار سوئی که این منابع ثروت به همراه داشت چنان بود که اسپانیا پس از چهار قرن هنوز نتوانسته است به خوبی از عواقب سلسله حوادث بحرانی که ایجاد شد نجات یابد. بر این اساس، قبل از جهان سوم و کشورهای صادرکننده مواد طبیعی، در کشورهایی نظیر اسپانیا، پرتغال و هلند، تورم شدید، تضعیف بنیان‌های تولید داخلی، بی‌معنی شدن نوآوری، رنگ باختن تولید ثروت از طریق تولید و فعالیت، نزاع بر سر تقسیم ثروت بادآورده، تحلیل رفتن جایگاه اقتصادی این کشورها در اقتصاد جهانی، تخریب نهادهای مدنی و سیاسی توسط حکومت، تقویت حکومت برای سرکوب و تثبیت استبداد، و درگیری در جنگ داخلی نمونه‌هایی از تبعات ورود ثروت بادآورده بوده است.

مطالعات زیادی روی کشورهایی که نفت یا منابعی شبیه آن دارند انجام شده و آثار تخریبی استفاده غلط از درآمد نفت به اثبات رسیده است. کتاب ریچارد اوتی (پایدار نمودن توسعه در کشورهای متکی بر منابع معدنی: نظریه نفرین منابع، ۱۹۹۳م.)، مطالعه جفری ساکز از دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۹۵م.، مطالعه میشل راس در مورد ۱۱۳ کشور بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۷م.، کتاب تری لین کارل (پارادوکس وفور: رونق نفتی و حکومت‌های نفتی، ۱۹۹۷م.)، بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای صاحب منابع (نفت و...) را به نمایش گذاشته‌اند. کشورهایی مثل مکزیک، ونزوئلا، نیجریه، الجزایر، اندونزی، عراق و ایران با توجه

به تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی و... بحران‌های مختلفی را به صورت مشابه تجربه کرده‌اند.

افزایش قیمت نفت در اقتصادهای نفتی که درآمد نفت مستقیماً به حساب دولت ریخته می‌شود، باعث افزایش واردات و ضربه زدن به تولید داخلی می‌شود، نرخ کالاهای غیر قابل واردات مثل زمین و مسکن را افزایش می‌دهد، اصلاح نظام مالیاتی را به تأخیر می‌اندازد، پاسخگویی دولت و تمایل به مردم‌سالاری را کاهش می‌دهد، انگیزه دولت برای جلب مشارکت واقعی مردم را از بین می‌برد، مانع رویکرد دولت‌ها به شایسته‌سالاری، جلب مدیران لایق، استفاده از نظرات نخبگان و کارشناسان، بهبود فناوری‌ها و رشد بهره‌وری می‌گردد. درآمدهای نفتی تمایل به رانت‌جویی و رانت‌خواهی را در بین گروه‌های صاحب نفوذ سیاسی جامعه افزایش می‌دهد، گسترش حجم و اندازه دولت را به دنبال می‌آورد، وابستگی بودجه دولت به نفت را افزایش داده و فساد اداری و اقتصادی را رقم می‌زند.

- نظریه محرومیت نسبی

جیمز دیویس از جمله نظریه‌پردازان غربی است که به تئوری اقتصاد و عوامل اقتصادی به عنوان عامل انقلاب، معتقد است. در نظریه توقعات فزاینده، دیویس ادعا می‌کند که انقلاب از محرومیت نسبی ناشی می‌شود نه از محرومیت مطلق. فرض اصلی او در این نظریه این است که هرگاه پس از یک دوره طولانی رشد اقتصادی و اجتماعی یک دوره برگشت سریع اتفاق بیفتد احتمال وقوع انقلاب بیشتر می‌شود. در این دوره رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی باعث ارضای بخش مهمی از خواسته‌ها می‌شود و سبب می‌شود ذهنیتی شکل بگیرد که توقع دارد اوضاع در آینده نیز به سمت بهبود پیش برود. در چنین جامعه‌ای وقتی رکود اقتصادی شدید اتفاق بیفتد، بین خواسته‌ها و توقعات مردم با ارضای آنها فاصله می‌افتد. هرچه شدت و مدت رکود بیشتر باشد این فاصله بیشتر می‌شود و باعث

ایجاد شرایط حاد شده و احتمال وقوع انقلاب افزایش می‌یابد (پناهی، ۳۱۸: ۱۳۸۹).

دیویس، فرمول "منحنی J" را ارائه می‌کند، و بیان می‌دارد که: "اساساً در طی دوره افزایش توقعات، منحنی نشان‌دهنده میزان توقع، همچنان صعودی می‌ماند. به- موازات این منحنی، منحنی میزان واقعی ارضای نیازها قرار دارد، تا زمانی که مردم دست‌کم، بخش قابل ملاحظه‌ای از آنچه را که انتظار دارند، به دست آورند، احتمال این‌که قیام کنند، بعید است، اما چنانچه میزان واقعی ارضای نیازها، سیر نزولی پیدا نماید و میزان مورد توقع ارضای نیازها همچنان صعودی بماند، در این صورت بین این دو، شکاف وسیعی شروع به گسترش می‌کند که نتیجه‌ای جز انقلاب را در پی نخواهد داشت" (کوهن، ۱۳۸۷: ۲۴۲).

تد رابرت‌گر، نیز از دیگر نظریه‌پردازان این حوزه، دیدگاه صرف اقتصادی ندارد و بر این باور است که چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود؛ آنان دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، آسیب‌رساندن به منبع محرومیت است. بدین ترتیب، محرومیت نسبی نتیجه تفاوت درک شده میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و تواناییهای ارزشی (داشته‌ها) افراد است. تد رابرت‌گر، انقلابها را محصول تحول در فرایندهای ذهنی افراد می‌داند این نظریه‌پرداز با توجه بر تحولات ذهنی افراد مبنای بررسیهای خود را بر نظریه ناکامی - پرخاشگری گذارده و بر طبق این نظریه معتقد است چنانچه در راه حصول افراد به اهداف مانعی ایجاد شود محصول طبیعی این وضع ایجاد ناکامی و نارضایتی در آنهاست و چنانچه منبع محرومیت شناسایی شده و در دسترس باشد، پرخاشگری امری طبیعی جهت کاهش تنشهای روانی خواهد بود. چرا انسانها شورش می‌کنند نظریه‌پردازی از این سنخ است که در کتاب "تد رابرت‌گر" کاملترین و مفصل‌ترین بحث را درباره مدل پیچیده‌ای برپایه نظریه ناکامی-

پرخاشگری ارایه می‌دهد (اسکاچپول، ۶۱۹: ۱۳۷۸). بدین منظور گردد نظریه خود می‌کوشد ابتدا به چگونگی ایجاد محرومیت نسبی (منبع نارضایتی) در افراد اشاره کرده و سپس نشان دهد که چگونه این وضعیت ذهنی روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی از حالت ذهنی خارج شده و در شکل خشونت سیاسی (وضعیتی عینی) نمایان می‌گردد.

ب- تهدید، قدرت و امنیت اقتصادی در نظریات

ادبیات قدرت اقتصادی، به‌ویژه در دو رشته روابط بین‌الملل^۱ و اقتصاد سیاسی بین‌الملل^۲ بر تقسیم‌بندی دو بخشی قدرت با عنوان قدرت اقتصادی مستقیم^۳ و قدرت اقتصادی غیر مستقیم^۴ اتفاق نظر دارند. قدرت اقتصادی غیر مستقیم به رشد فزاینده وابستگی متقابل اقتصاد سیاسی جهان از دهه ۱۹۷۰ تاکنون و همچنین حضور قوی و روشن‌تر اقتصاد در روابط بین دولت‌ها برمی‌گردد. با اختلاف کمی در تعاریف، فونباشی^۵ آن را قدرت پنهان، کلوزیوس نور^۶ نفوذ بدون زور^۷، رابرت کوهن^۸ قدرت کنترل نتایج، جوزف نای^۹ قدرت نرم و سوزان استرنج^{۱۰} قدرت ساختار^{۱۱} می‌نامند. نکته مهم در این موضوع آن است که دولت برای کاربست قدرت اقتصادی در خدمت سیاست ملی، لزوماً نیازمند دستکاری^{۱۲}، کنترل هوشیارانه، عامدانه و موردی در نظام اقتصاد بین‌المللی یا روابط اقتصادی دو یا چندجانبه با سایر کشورها نیست، بلکه از طریق تسلط بر بازارهای بین‌المللی، وضع

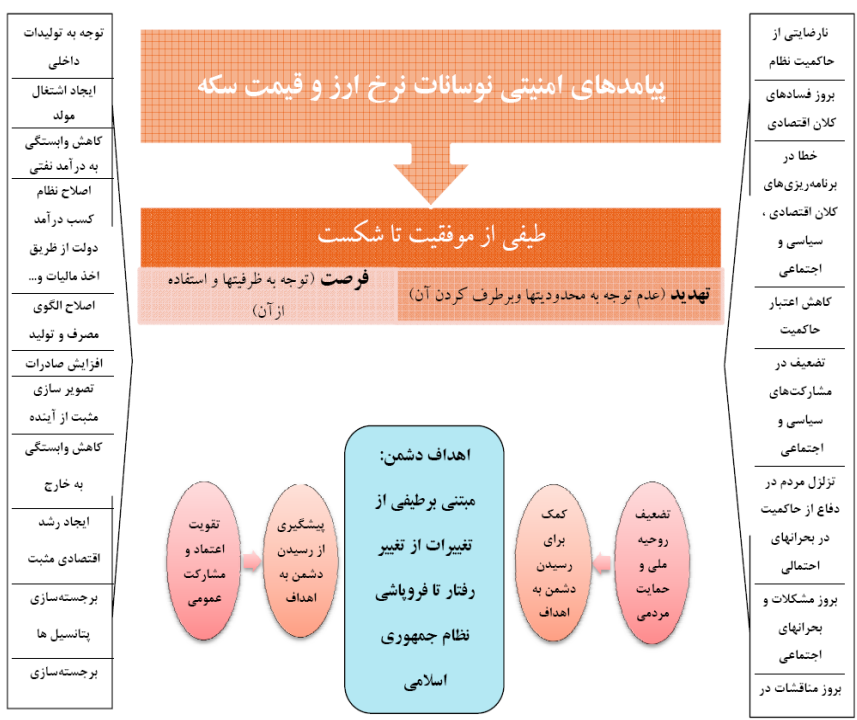
-
- 1- International relations(ir)
 - 2- International political economy(ipe)
 - 3- Direct economic power
 - 4- Indirect economic power
 - 5- Funbashi
 - 6- Klauss knorr
 - 7- Non-coercive influence
 - 8- Robert keohane
 - 9- Joseph. s. nye
 - 10- Strange
 - 11- Structural power
 - 12- Manipulation

رژیم‌ها و نهادهای اقتصادی، می‌تواند محیط فعالیت‌های اقتصادی را شکل داده، از این راه گزینه‌های سیاستی و رفتاری سایر دولت‌ها را از پیش تعیین و محدود کند. نوع دوم قدرت اقتصادی، قدرت اقتصادی مستقیم است فونباشی آن را قدرت آشکار^۱، کلوزیوس نور قدرت اجبار^۲ و استرنج قدرت ارتباطی^۳ می‌نامد. پس قدرت قدرت اقتصادی مستقیم عبارت است از دستکاری عامدانه و اندیشیده شده منابع اقتصادی از سوی یک دولت با هدف تأثیرگذاری مستقیم روی رفتار دولت دیگر و وادار کردن آن به انجام یک رشته از اقدامات که در شرایط عادی و از روی اراده انجام نمی‌دهد.

قدرت اقتصادی مستقیم هم به صورت اقناع نمودن^۴ و هم از طریق فشار اقتصادی برای کسب منافع یک دولت به کار گرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت هرچه وابستگی کشور به خارج بیشتر، و وابستگی دیگران به آن کمتر باشد، قدرت اقتصادی غیر مستقیم (به عبارت جوزف نای قدرت نرم) و قدرت اقتصادی مستقیم (به عبارت استرنج قدرت ارتباطی) کمتری داشته و بیشتر در معرض تهدیدهای نرم و سخت اقتصادی از نوع تحریم‌ها، فشارها و تهدیدات هویتی، فرهنگی و سیاسی از راه ابزار اقتصادی قرار می‌گیرد (رهبر و خادمی، ۱۳۸۵). بنابراین همانطور که اشاره گردید، نقش اقتصاد در امنیت ملی، حیاتی است و دلیل آن تأثیرات گسترده آن بر سایر ارزش‌های ملی است. توسعه نیافتگی پایدار و محرومیت از رفاه اقتصادی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند و ناآرامی‌های اجتماعی را برمی‌انگیزد و بر همین اساس است که امنیت اقتصادی و تهدیدات اقتصادی از نگرانی‌های مهم دولت است. لذا، بر مبنای چارچوب مفهومی معرفی شده، عوامل مؤثر در مدیریت با در نظر گرفتن میزان تهدیدات خارجی و داخلی (با رویکرد بیشتر به

1- Revealed power
2- Coercive power
3- Relation power
4- Persuasion

عوامل داخلی) و در سطح میزان تأثیر بر امنیت ملی و در چهار بعد عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



مدل مفهومی تحقیق

۵. نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی است و روش تحقیق با استناد به جامعه آماری و نمونه آماری، و استفاده از ابزار و روش گردآوری اطلاعات شامل استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و بهره گیری از شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شده است. در ضمن جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات و آشنایی آنها به مسائل بحران و امور اقتصادی در جداول زیر ارائه شده است.

جدول توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیر تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
لیسانس	۳	۷/۵	۷/۵	۷/۵
فوق‌لیسانس	۲۰	۵۰	۵۰	۵۷/۵
دکتری	۱۷	۴۲/۵	۴۲/۵	٪۱۰۰
جمع	۴۰	٪۱۰۰		

جدول توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیر میزان آشنایی با مدیریت بحران

میزان آشنایی با مدیریت بحران	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
کم	-	-	-	-
متوسط	۱۳	۳۲/۵	۳۲/۵	۳۲/۵
زیاد	۲۷	۶۷/۵	۶۷/۵	٪۱۰۰
جمع	۳۷	٪۱۰۰		

جدول توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیر میزان آشنایی با مسائل اقتصادی

میزان آشنایی با مسائل اقتصادی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
کم	۱	۲/۵	۲/۵	۲/۵
متوسط	۹	۲۲/۵	۲۲/۵	۲۵
زیاد	۳۰	۷۵	۷۵	٪۱۰۰
جمع	۴۰	٪۱۰۰		

برای نیل به روایی ابزار (پرسشنامه) به ترتیب مراحل زیر اقدام شد.
الف) با انجام مطالعه گسترده در رابطه با راهبرد و سطوح آن و همچنین بررسی راهبردهای کشور و مصاحبه حضوری با خبرگان و کارشناسان اقتصادی و امنیتی ابعاد گوناگون موضوع تحقیق شناسایی و سؤالات تعیین شد.

ب) با نظر اساتید متخصص سؤالات طرح شده مورد بررسی و اصلاح قرار گرفته و پرسشنامه تنظیم شد؛ و روایی ابزار پرسشنامه به تأیید اساتید امر رسید.

ج) با توزیع پرسشنامه در بین خبرگان موضوع و قرار دادن نظرات آن‌ها در فرمول لاشه روایی نهایی پرسشنامه به دست آمد و اصلاحات لازم صورت گرفت. میانگین لاشه پرسشنامه تحقیق ۰/۷۶۶ شد که عدد مناسبی برای سنجش روایی می باشد. برای به دست آوردن پایایی سؤالات پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. مقادیر آلفای کرونباخ تمامی مقیاس‌های تحقیق بالاتر از ۰/۶ هستند و لذا مقیاس‌ها از قابلیت اعتماد لازم برخوردار هستند و پرسش‌نامه تحقیق در اکثر موارد از پایایی خیلی خوبی برخوردار می‌باشد.

برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد رسیدن به پاسخ پرسش‌های تحقیق از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه تحقیق دارای ۵۰ سؤال بود که در آن به تفکیک پیامدها یا تهدیدات امنیتی این نوسانات در چهار سطح، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی مورد سنجش قرار گرفت.

اطلاعات پرسشنامه‌های تحقیق پس از جمع‌آوری وارد نرم‌افزار آماری spss گردیده و سپس با استفاده از امکانات نرم افزار فوق نتایج مورد نظر استخراج شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با این توضیحات نتایج بررسی داده‌ها و گویه‌های مربوط به تأثیر نوسان نرخ ارز و سکه را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی در چهار سطح امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی به طور مختصر به شرح ذیل می‌باشد.

بخش اول سوالات: تأثیر نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت اقتصادی؟

میانگین مربوط به متغیر امنیت اقتصادی ۳/۷۵۶۰ است، که با توجه به دامنه تغییر ۱/۷۹ و حداقل ۲/۴۶ و حداکثر ۴/۲۵ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر بود یعنی پاسخ‌گویان تأثیر نوسان نرخ ارز و قیمت طلا را بر امنیت اقتصادی از حد متوسط بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

بخش دوم سوالات: تأثیر نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت اجتماعی؟

میانگین مربوط به متغیر امنیت اجتماعی ۳/۵۵۸۶ است، که با توجه به دامنه تغییر ۳/۷۵ و حداقل ۱/۰۰ و حداکثر ۴/۷۵ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر بود یعنی پاسخگویان تأثیر نوسان نرخ ارز و قیمت طلا را بر امنیت اجتماعی از حد متوسط بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

بخش سوم سوالات: تأثیر نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت سیاسی؟

میانگین مربوط به متغیر امنیت سیاسی ۳/۵۵۱۳ است، که با توجه به دامنه تغییر ۳/۱۱ و حداقل ۱/۲۲ و حداکثر ۴/۳۳ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر بود یعنی پاسخگویان تأثیر نوسان نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت سیاسی را از حد متوسط بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

بخش چهارم سوالات: تأثیر نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت روانی؟

میانگین مربوط به متغیر امنیت روانی ۳/۵۸۷۳ است، که با توجه به دامنه تغییر ۱/۵۶ و حداقل ۲/۶۷ و حداکثر ۴/۲۲ این میانگین از میانگین متوسط بالاتر بود یعنی پاسخگویان تأثیر نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت روانی را از حد متوسط بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

برای بررسی عادی یا نرمال بودن کشیدگی و یا چولگی توزیع داده‌ها، از آزمون شاپیرو-ویلک یا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد تا از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد.

برای بررسی معناداری کلیه گویه‌ها و همچنین مقایسه میانگین‌های یک گروهی

در خصوص ارزیابی میانگین نمرات مشاهده شده با حد متوسط مقیاس (نمره ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد و تأثیر شاخص بر تک‌تک مولفه‌های امنیت ملی مورد سنجش قرار گرفت.

بخش اول: از نتایج بدست آمده چنین ملاحظه می‌شود که معنی‌داری گویه‌های مربوط به امنیت اقتصادی اکثراً از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد بدین معنی تفاوت بین معنی‌داری محاسبه شده و گزینه متوسط معنی‌دار می‌باشد. همچنین نتایج حاصله نشان می‌دهد که آزمون مقایسه میانگین‌های یک گروهی در خصوص ارزیابی میانگین نمرات مشاهده شده با حد متوسط مقیاس (نمره ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای همه گزینه‌ها معنادار می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه گویه‌های مربوطه به نوسان قیمت ارز و طلا بیش از حد متوسط بر امنیت اقتصادی مؤثر می‌باشد.

بخش دوم: از نتایج بدست آمده چنین ملاحظه می‌شود که معنی‌داری گویه‌های مربوط به شاخص امنیت اجتماعی اکثراً از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد بدین معنی تفاوت بین معنی‌داری محاسبه شده و گزینه متوسط معنی‌دار می‌باشد. همچنین نتایج حاصله نشان می‌دهد که آزمون مقایسه میانگین‌های یک گروهی در خصوص ارزیابی میانگین نمرات مشاهده شده با حد متوسط مقیاس (نمره ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای همه گزینه‌ها معنادار می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه گویه‌های مربوطه به شاخص نوسان نرخ ارز و قیمت طلا بیش از حد متوسط بر امنیت اجتماعی مؤثر می‌باشد.

سوال ۳: نوسان نرخ ارز و قیمت طلا چه تأثیری بر امنیت سیاسی دارد؟ آزمون

فرض **T** یک متغیره و معنی‌داری شاخص امنیت سیاسی

بخش سوم: از نتایج بدست آمده ملاحظه می‌شود که معنی‌داری گویه‌های مربوط به شاخص امنیت سیاسی اکثراً از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچکتر

می‌باشد بدین معنی تفاوت بین معنی‌داری محاسبه شده و گزینه متوسط معنی‌دار می‌باشد. و همچنین نتایج حاصله نشان می‌دهد که آزمون مقایسه میانگین‌های یک گروهی در خصوص ارزیابی میانگین نمرات مشاهده شده با حد متوسط مقیاس (نمره ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای همه گزینه‌ها معنادار می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه گویه‌های مربوطه به نوسان نرخ ارز و قیمت طلا بیش از حد متوسط بر امنیت سیاسی مؤثر می‌باشد.

بخش چهارم: از نتایج بدست آمده چنین ملاحظه می‌شود که معنی‌داری گویه‌های مربوط به شاخص امنیت روانی اکثراً از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد بدین معنی تفاوت بین معنی‌داری محاسبه شده و گزینه متوسط معنی‌دار می‌باشد. و همچنین نتایج حاصله نشان می‌دهد که آزمون مقایسه میانگین‌های یک گروهی در خصوص ارزیابی میانگین نمرات مشاهده شده با حد متوسط مقیاس (نمره ۳) در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای همه گزینه‌ها معنادار می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه گویه‌های مربوطه به شاخص نوسان نرخ ارز و قیمت طلا بیش از حد متوسط بر امنیت روانی مؤثر می‌باشد.

آزمون فریدمن جهت اولویت‌بندی و رتبه‌بندی متغیرها بر اساس بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته می‌باشد. در واقع آزمون فریدمن تعمیمی از آزمون علامت است. این آزمون زمانی کاربرد پیدا می‌کند که شما بخواهید نظرات یک گروه را در چند زمینه مورد بررسی قرار دهید و بر اساس نظرات افراد این گروه، اولویت هر کدام از موارد را بر اساس رتبه‌بندی معنی‌دار (یا گرایش‌ها) معنادار افراد به هر کدام از متغیرها مشخص نمایید.

این آزمون بیانگر این است که بین میزان تأثیر نوسان نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و روانی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۱

رتبه میانگینی	گویه‌های پرسشنامه
۲/۱۲	امنیت روانی
۲/۷۹	امنیت سیاسی
۲/۶۲	امنیت اقتصادی
۲/۴۷	امنیت اجتماعی

جدول ۲

۱۷	تعداد
۲/۵۳۸	آمار کای اسکوئر
۳	درجه آزادی
۰/۴۶۸	معنی‌داری

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که معنی‌داری محاسبه شده برای عوامل بالا از معنی‌داری در سطح آلفای ۰.۰۵ بزرگتر است. لذا بین میزان تأثیر نوسان نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و روانی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. همچنین جدول (۲) نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که رتبه‌بندی پیامدهای امنیتی نوسانات نرخ ارز و قیمت طلا (سکه) تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد لذا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که تأثیر نوسان نرخ ارز و قیمت طلا بر امنیت اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و روانی به طور یکنواخت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

عملکرد نادرست اقتصادی دولت، مناسبات انحصاری، رانت‌خواری و فساد اقتصادی یکی از علل اصلی اتلاف منابع اقتصادی است که موجب کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش رشد و توسعه اقتصاد می‌گردد. سیاستهای نامطلوب

اقتصادی موجب تخصیص نامطلوب منابع، توسعه نابه‌هنجار، پیدایش بحرانهای اقتصادی، ناآرامی اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی و نهایتاً فروپاشی نظام سیاسی منجر می‌گردد و همانطور که ملاحظه شد، نتایج قابل تأملی به طور مستقیم در پیمایش صورت پذیرفته استخراج گردید، که نارضایتی از حاکمیت، خطا در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی، بروز فسادهای کلان اقتصادی، احتکار، افزایش قاچاق کالا، افزایش رانت خواری، تضعیف و تحریم بورس، بروز مشکلات و بحرانهای اجتماعی و سیاسی، بروز مناقشات در حاکمیت، کاهش اعتبار حاکمیت، تزلزل مردم در دفاع از حاکمیت در بحرانهای احتمالی شبیه فتنه‌های سالهای ۷۸ و ۸۸، تضعیف در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی از جمله انتخابات، تحصن، راهپیمایی، اعتصاب، شورش، اعتراض در فضای مجازی، تأثیر منفی بر امنیت روانی، ناتوانی فردی در تصمیم‌گیری برای آینده، افزایش ناامیدی و افزایش جرایم، بزه و.. از جمله مهمترین آثار استخراج شده از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده است که می‌توان به آن اشاره کرد.

مدیریت تهدیدات نیازمند آن است که واحدهای سیاسی از اتخاذ سیاستهای انفعالی عبور کنند، رویکرد معطوف به آینده‌پژوهی داشته باشند و هرگونه تهدیدی را عامل کنترل تهدیدهای گسترده‌تر بدانند. به طور کلی ساختها و نظامهای سیاسی که توانسته‌اند این فرآیند را پیگیری و به مرحله اجرا رسانند، هرگونه تهدیدی را به عنوان نشانه‌ای برای مدیریت تهدیدهای آینده تلقی کرده، از این طریق، زمینه تبدیل تهدید به فرصت را فراهم می‌کنند. آسیبهای ناشی از تهدیدات در حوزه اقتصاد در بلند مدت ساختار اقتصادی یک کشور را بیمار و ناکارآمد می‌کند به گونه‌ای که جبران خسارتهای وارده از آسیبهایی فکری به مراتب دشوارتر خواهد بود. روشن است که نظامی که از نظر اقتصادی دچار چالشهای فراوانی است در عرصه داخلی با انتقادات و مشکلات فراوانی روبه‌روست و در عرصه بین‌الملل نیز بخاطر این

ضعفها از جمله ضعف حمایت داخلی از قدرت چانه‌زنی خوبی برخوردار نیست. دامنه تأثیرگذاری نوسانات ارزی و تورم اگر با جهشهای غیرمتعارف، مستمر و بلند همراه باشد، به مراتب بیشتر و وسیعتر از زمانی خواهد بود که روند افزایش قیمتها از نرخ منطقی و هر چند بالا تبعیت کند چرا که جهشهای قیمتی یکباره و مستمر در حقیقت، آرامش روانی جامعه را دستخوش التهاب و امکان تصمیم‌گیری را از افراد جامعه برای ساده‌ترین و معمولی‌ترین اقداماتشان سلب می‌کند. بدیهی است هرگونه تلاش در زمینه دستیابی به آرامش روانی اقتصادی، مستلزم پژوهشها و تحقیقات وسیع پژوهشگران و محققان و به کار بستن نتایج پژوهشها توسط دستگاههای اجرایی است.

منابع

۱. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. غرایاق زندی، داوود (۱۳۸۸)، «چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران»، تهران: **مجله مطالعات راهبردی**، شماره ۴۵- پاییز.
۴. بصیری، محمد علی (۱۳۸۰)، «تحولات مفهوم امنیت ملی»، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، فروردین و اردیبهشت - شماره ۱۶۳ و ۱۶۴.
۵. روحانی، حسن (۱۳۸۰)، «امنیت عمومی، امنیت ملی و چالش‌های فراروی»، **مجله راهبرد، تابستان** - شماره ۲۰.
۶. فردرو، محسن (۱۳۸۸)، **آشنایی با پدافند غیرعامل (جنگ اقتصادی)**، تهران: انتشارات عابد.
۷. آزر، ادوارد ای و چونگ اینمون (۱۳۷۹)، **امنیت ملی در جهان سوم**، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. کرمی، رضا (۱۳۸۶)، «مبانی تئوریک و مصداقی تهدید نرم و قدرت نرم»، تهران: **مجله مدیریت نظامی**، شماره ۲۸.
۹. بهنام‌نیا، علی‌اصغر و اصغر افتخاری (۱۳۸۵-۱۳۸۶)، «سیکل حیات تهدید»، تهران: **مجله نگرش راهبردی**، اسفند و فروردین - شماره ۷۷ و ۷۸.
۱۰. رهبر، فرهاد و خادمی، سید موسی (۱۳۸۷)، «تهدیدپذیری اقتصادی، تهدیدپذیری هویت ملی (مطالعه موردی ایران و کشورهای منطقه)»، تهران: **مجله مطالعات ملی**، شماره ۳۵.
۱۱. حسینی‌نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۶)، «تورم و بی‌ثباتی: از منظر محرومیت نسبی»، **فصلنامه امنیت اقتصادی**، شماره ۱.

۱۲. حسینی، حسین (۱۳۸۸)، جنگ نرم از تهدید تا پاسخ، فصلنامه علمی مطالعاتی مدیریت بحران، شماره ۳ و ۴.
۱۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، «مدیریت جنگ نرم در فضای عدم تعادل»، تهران: فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۳.
۱۴. خلیلی، سهراب (۱۳۸۸)، «جنگ نرم»، فصلنامه شهر شهیدان، شماره ۳.
۱۵. حسین شریفی، احمد (۱۳۸۹)، جنگ نرم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول.
۱۶. رضوانی، حمیدرضا (۱۳۸۵)، «تلفیق مدیریت بحران در راهبردهای سازمان»، تهران: ماهنامه تدبیر، شماره ۱۷۷، بهمن.
۱۷. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۵)، «بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود؟»، تهران: فصلنامه امنیت، شماره ۱ و ۲.
۱۸. دلاورپوراقدم، مصطفی (۱۳۸۸)، «الگوها و راهبردهای مدیریت بحران»، قم، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۹۰.
۱۹. سیف، اله‌مراد و تولایی، محمد (۱۳۹۰)، تبارشناسی تهدیات نرم اقتصادی، تهران: پژوهشکده مطالعات بسیج.
۲۰. نکویی محمد و محمد سهرابی (۱۳۸۶)، «ارزش‌های پیشگیری سیستمی در مدیریت بحران‌های امنیتی»، مجله نگرش راهبردی، آذر و دی، شماره ۸۵ و ۸۶.
۲۱. سایت رسمی مجلس (خانه ملت)
۲۲. سایت رسمی بانک مرکزی